

در مسیر قرار گیریم...

که گام نخست و ارزشمند در این راه محسوب می‌شود.

● برنامه‌دستی این مدارس باید با اهداف توسعه مدارس هوشمند هماهنگ شود. نمی‌توان از معلمی که دو ساعت تدریس در اختیار دارد، انتظار داشت با توجه به حجم زیاد مواد آموزشی و زمان اندک تدریس، از ابزارهای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش استفاده کند. یا در میانی مدارس هوشمند، از هدف تربیت افراد خلاق و مولد دانش صحبت کنیم، ولی شیوه‌های ارزشیابی دانش‌آموزان هم‌چنان به روال سابق باشد و مراحل ابتدایی یادگیری راه‌در سطحی‌ترین لایه‌های آن مورد ارزیابی قرار دهد.

● تجربه کشورهای گوناگون نشان داده است که توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، معلمان پیشرو بهترین الگو برای معلمان دیگر هستند و مشوقان اصلی معلمان دیگر محسوب می‌شوند. تلاش برای هوشمندسازی مدارس بهتر است به جای آن که به بازار مکاره‌های معطوف بشود که انواع ال‌سی‌دی‌ها، لپ‌تاپ‌ها، تخته‌های هوشمند و امثال این‌ها در آن عرضه می‌شود و چشم‌ها را متحیر می‌کند، به شناسایی معلمان هدایت شود که بی‌ادعا در مدارس خود، ایده‌ها را عملی می‌سازند.

هدف اصلی ایجاد مدارس هوشمند، ورود دستگاه حضور و غیاب دانش‌آموزان و معلمان به مدرسه نیست. هدف اصلی آن نیست که بخش‌نامه‌ها را به جای کاغذ مکتوب، روی نمایشگر رایانه بخوانیم. مقصد آن نیست که کلاس‌ها از انواع تخته‌های الکترونیکی، ال‌سی‌دی و رایانه پر شوند و بازدیدکنندگان را بر سر ذوق آورند. مقصد را گم نکنیم. هدف آن است که یادگیری بهتر صورت گیرد. معلمی که راه را رفته است و می‌داند از این ابزارها - تأکید می‌کنم ابزارها - چگونه استفاده کند راه را به ما نشان می‌دهد.

بهتر است دیگر بار و بارها، تجربه‌های خود را ظرف چند سال گذشته و به خصوص یک سال گذشته بازبینی کنیم و در همایشی آن را در معرض نقد بگذاریم تا در مسیر قرار گیریم و تلاش‌هایی که قطعاً از سر دلسوزی و نیک‌اندیشی هستند، به بار بنشینند تا مبادا به خود آیم و ببینیم:

از هر طرف که رفته‌ام جز حیرتم نیفزود

زینهار از این بیابان وین راه بی‌نهایت

سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ سالی بود که در کنار تلاش‌های مسئولان آموزش و پرورش و اقدامات اساسی، مانند عرضه سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش، در مقام اجرا نیز شاهد طرح‌های اجرایی گسترده هم چون توسعه مدارس هوشمند بودیم. طرح مدارس هوشمند در ایران از سال ۱۳۸۴ به صورت آزمایشی در چهار دبیرستان شهر تهران اجرا شد و در سال اخیر در بسیاری از مدارس ایران، شاهد توسعه این مدارس به صورت گسترده و تجهیز مدارس به ابزارهای گوناگون فناوری اطلاعات و ارتباطات بودیم.

پیشینه این مدارس به کشور مالزی برمی‌گردد. دولت این کشور در راستای چشم‌انداز ۲۰۲۰ خود و در مقام اجرای «طرح دالان بزرگ چند رسانه‌ای» در سال ۱۹۹۷، طرح مدارس هوشمند را مطرح کرد و از سال ۱۹۹۸ آن را به مرحله اجرا در آورد. این طرح در مالزی با کامیابی‌ها و ناکامی‌هایی مواجه بوده است که می‌توان با نگاهی به آن تجربه‌ها و تجربه ایرانی مدارس هوشمند، از تکرار خطاها دوری جست و نقاط قوت آن‌ها را برجسته و بر آن‌ها تأکید کرد. با توجه به این تجربه‌ها چند نکته را باید در نظر داشت:

● نخست آن که طرح توسعه مدارس هوشمند در ایران باید بیش از جنبه سخت‌افزاری بر جنبه‌های نرم‌افزاری تأکید کند و توجه شود که توسعه این مدارس بدون تأکید بر فرایند یاددهی - یادگیری موجب به هدر رفتن سرمایه‌های ملی می‌شود. در این راستا مهم‌ترین عامل موفقیت این طرح، نگرش مثبت معلمان به استفاده از ابزارهای جدید در تدریس است. اگر معلمان نسبت به این طرح توجیه نشوند و آموزش در شکل گذشته را آسان‌تر و راحت‌تر ببینند، قطعاً به پیشرفت این طرح کمک نخواهند کرد. لذا توصیه می‌شود در کنار آموزش‌های ضمن خدمت، در تغییر نگرش معلمان برای همراهی و استفاده از این ابزارها در کلاس تلاش شود.

● لازم است مرکزی برای توسعه مدارس هوشمند تأسیس شود که در ارائه سیاست‌های هماهنگ، نظارت بر اجرای سیاست‌ها، ارائه خدمات آموزشی، پشتیبانی مورد نیاز و امثال این‌ها اقدامات لازم را انجام دهد. «اداره آموزش و پرورش شهر تهران» در سال گذشته به نشر کتابی با عنوان «نقشه راه مدارس هوشمند» دست زد